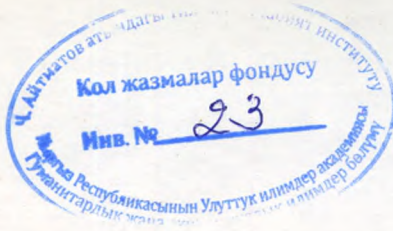


54

77



"Ходжа-Хафиз"

Сборник стихов Хафиза.

Литография. 120 стр.

Ташкент, 1332/1913-14 г.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَسْبُكَ اللَّهُ يَا حَسْبُكَ اللَّهُ يَا حَسْبُكَ اللَّهُ

انسان بحسن ان
صدق مؤلف



کالک فلیس لچین
صدق مؤلف

ت. تاشکنت. به استقام محمد صالح محمد مؤلف
А. Г. У. Арифжанов

اینگ کتابی ملک طالب طوسی نگاشته

بها و مصلحی در دو زبان و ترجمی در یک لهجه

ص ۱۰۰



بسم الله الرحمن الرحيم

الایا ایها السامی ادر کاشانا و لها
 بوی نازده گانه صبا نازده بکتیا
 بی سجاده نکین کن کرت پیرون
 مراد منزل جان چمن عشق چون بهرم
 شب تاریک هم موج کرد ابی چنین جلیل
 همه کام ز خود کامی بنام که آفرید

که عشق آن نمود اول و بی احواد
 ز تاب مجذوبش چه خون قباد در دلسا
 که سالک پنجه نمود ز راه رسم نهلسا
 جرم سر یاد میدارد که بر بند محلمها
 کجا دانند حال ما سبکبار اساطیر
 نهان کی ماند آن راز کز و مساطیر

حضوری که همی خواهر زو غافل شوفا
 متی ملوک من تهوی رع الد نیا و اهلها

ساقی نبوراده بر سر روز جام ما
 مادر پیا له عکس رخ یار دید ایم

مطرب بگو که کار جهان شد بکام ما
 ای پنجه ز لذت شرب مدام ما

چندان بود که شمه ناز سستی قد آن
 مستی بچشم شاهد لبند تا خوش است
 ای باد اگر بکوشن احباب بگذری
 کونام ما زیاد و بعد چه میبری
 ترسم که صرفه بند روز باز حوت
 دریای اخضر فلک و کشتی طلال
 هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بق

کایه بگیوه در صنوبر خرام ما
 زانرو سپرده اند بمستی ز هم ما
 زینهار غصه زده بر جانای پیام ما
 خود آید آنکه یاد نیاری از نام ما
 نان حلال شیخ ز آب حرام ما
 هستند غرق نعمت حاجی قوم ما
 ثبت است ابر حریف عالم دوم ما

حافظ ز دیده دانه اشکی همی فشان
 باشد که مرغ وصل کند قصد هم ما

ساقیا بر چنین رود درده هم را
 باده درده چند ازین باد خور
 ساغرمی بر کفشم نه تا ز سر
 کرچه بدنامی است نزد عاقلان
 محرم را ز دل شیدای خود
 دود آه سینه سوزان من
 بادل آما می مرا خاطر خوش است

خاک بر سر کن عشم ایتم را
 خاک بر سر نفس منسر جام را
 بر کشم این دلوق از روق فم را
 مانعی خواا ایسم تنگ نام را
 کس نمی پسندم ز خاص عالم را
 سوخت این منسر در کان جام را
 کردلم یکباره برد آرام را